

سلسله مقالات در کسب و کار و اقتصاد

بسمه تعالی

در مطلبی که در شماره قبل تحت عنوان «کمکهای اقتصادی آمریکا به پاکستان» داشتیم کوشش شده بود حتی المقننور بعضی از حیلہ های استعمار در کشورهای محروم تشریح شود. در ادامه همین سیاست در این شماره مطلب دیگری در مورد استعمار در کشورهای جهان سوم خصوصا پاکستان داریم که از نظر خوانندگان محترم می گردد امید است که این کوششها مورد رضای خلوند قرار گیرند و همچنین به رشد آگاهی در میان مردم کمک کند و آنها را در مبارزه با استعمار جهانی هوشیارتر و ثابت قدم تر از پیش نماید. انشاء الله...

تا دسامبر ۱۹۵۸، پاکستان اجناسی به ارزش ۲۶۴/۳ میلیون دلار از آمریکا دریافت نمود که البته قیمت آنها تماما به رویه پرداخته است، رقم فوق ممکن است ما را در تعیین حجم و میزان کمکهای جنسی آمریکا به اشتباه اندازد. علت آن است که اولاً آمریکا بابت اجناس خود قیمتی را تعیین می کند که به مراتب بیش از قیمت بازارهای جهانی است و ثانیاً تمام این اجناس باید بوسیله کشتی های آمریکایی انتقال داده شوند و آمریکائیان نیز بابت کرایه حمل و نقل پول زیادی مطالبه می کنند طبق گزارش نیویورک تاخیر مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۵۳، انتقال گندم به پاکستان بوسیله کشتیهای آمریکایی به ازای هرتن ۲۶ دلار هزینه دارد در حالیکه حمل و نقل گندم بوسیله کشتیهای دیگر تنها ۱۲ تا ۱۴ دلار به ازای هرتن هزینه دربردارد اصولاً مازاد محصولات کشاورزی آمریکا برای دولت مشکلاتی ایجاد می کند زیرا از یک طرف دولت آمریکا مجبور است طبق قانون برای تثبیت قیمتها تمام محصول کشاورزان را خریداری کند و از طرف دیگر اگر بخواهد این محصولات را در انبارهای خود نگهدارد باید سالی بیش از یک میلیون دلار هزینه انبارداری بپردازد. ولی آمریکا با محتاج نمودن بعضی از کشورها به محصولات آمریکایی، این مشکل را حل کرده و مازاد محصولات خود را با منت بعنوان کمک برای آنها می فرستد.

نمونه های فراوانی وجود دارند که یکی از کشورهای وابسته به محصولات آمریکایی کوشش کرده است با اقدامات بنیانی به مرز خود کفایی برسد و خود را از ورود محصول خارجی بی نیاز کند و

امریکا بدون توجه به ارزش حیاتی اینگونه اقدامات برای اقتصاد کشورهای مزبور جلوی تمام اصلاحات را گرفته است. در فرمز طبق گفته یکی از سناتورهای (سابق) آمریکا، سناتور گرین: «اگر چه افزایش میزان تولیدات برنج در فرمز نقش مهمی را در رسیدن آن به خود کفایی بازی می کند ولی ایالات متحده توانسته است از تولید برنج در آنجا بکاهد... در این مورد سیاست ما تحت تاثیر نیاز ما مبنی بر رهایی از مازاد محصول برنجمان است.» این مسائل موجب آشفتگی در پیشرفت و توسعه کشاورزی شده است. آقای س. ا. منکن که قبلاً در رابطه با هیئت آمریکا در یونان فعالیت می کرده است، اعتراف می کند که چندین بار برنامه هایی برای توسعه کشت چغندر قند در یونان طرح شده است ولی هر بار آمریکائیان از اجرای آن جلوگیری کرده اند. این مسئله باعث رنجش یونانیان شده است زیرا آنان به درستی تشخیص داده اند که توسعه چغندر قند برای ساخت کشاورزی آنان ضروری است. در این مورد نیز بنظر می رسد که سیاست آمریکا آن است که بازار چغندر یونان را با مازاد محصولات خود پر کند.

پاکستان مجبور است محصولات را بعنوان کمک دریافت کند که خود بیش از احتیاج خود تولید می کند! بهترین نمونه این مسئله، مسئله پنبه است. پاکستان کشوری است که تولیدات پنبه ساقه بلند آن از نوع آمریکایی بیش از مصرف داخلی کشور است. با این وجود پاکستان ۱۷۴۰/۲۰۰ عدل پنبه از آمریکا دریافت کرد که قسمت اعظم آن یعنی ۱۲۶/۰۰۰ عدل بین جولای ۱۹۵۴ تا دسامبر ۱۹۵۵ بود که در آن موقع پنبه بیش از اندازه مصرف در بازار داخلی موجود بود. اثر ورود پنبه های خارجی به پاکستان پایین آمدن قیمت پنبه پاکستانی بود. این مسئله باعث ضرر به کشاورزان پنبه شد و همچنین فخایر ارزی پاکستان را پایین آورد نتایج مشابهی نیز از صدور تنباکو و لبنیات بیار آمده باعث پایین آمدن قیمت محصولات مشابه داخلی شده است و این موضوع به نفع وارد کنندگان خارجی تمام می شود.

پرداخت قیمتهایی بالاتر از قیمت بازار جهانی گندم بابت گندم «کمک» به آمریکا در آخرین جلسه سپتامبر ۱۹۵۸ مجلس پاکستان بوسیله آقای امجد علی وزیر بازرگانی پاکستان مطرح شد. با این ترتیب مشخص می شود که بجز گندمی که در دوره قحطی وارد مملکت می شود، کمکهای

پاکستان مجبور است محصولات را به عنوان کمک دریافت کند که خود بیش از احتیاج خود تولید می کند! بهترین نمونه این مسئله، مسئله پنبه است.

آمریکا قادر است در حال حاضر با استفاده از سرمایه های عظیم خود در برنامه های اقتصادی و سیاسی پاکستان تأثیر مهمی بگذارد.

در موافقت نامه ای که طی آن دولت آمریکا تحویل کمکهای جنسی به پاکستان را تقبل کرده است ذکر شده است که آمریکا در ثبات وضعیت مالی پاکستان نیز منافی دارد به این دلیل آمریکا حق پیدا کرده است که در سیاست تجاری پاکستان هم اعمال نفوذ کند.



✱ شبکه‌ای در هم پیچیده پاکستان را احاطه کرده و آنرا تحت نفوذ کامل آمریکا در آورده است و این بندها پاکستان را وادار میکند که بدنبال سیاستهای آمریکایی برود.

✱ بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۱ بیش از ۱۰۰/۰۰۰ خارجی طی برنامه‌های کمک نظامی و ۴۶/۰۰۰ نفر طی برنامه‌های سازمان (ICA) و شعبات آن، ۴۲۰۰۰ نفر دیگر نیز طی برنامه‌های سازمان تبادل فرهنگی بین‌الملل در آمریکا دوره دیده‌اند.

✱ سیاستهای آمریکائیان در پاکستان بر مبنای از بین بردن صنایع و توسعه اقتصاد کشور بر محور اقتصاد آمریکایی استوار شده است.

از حساب خود تمام پروژه‌های عظیم کشور را دچار رکود کرد... در سال ۱۹۵۲ آمریکا از کمک به بودجه یونان و سرمایه‌گذاری در آن کشور خودداری کرد و سیاست رکود در بودجه، قطع کلیه برنامه‌های عمرانی و عدم استفاده از کمکهای خارجی را به دولت یونان تحمیل کرد... نتیجه این کار آن شد که در سال مالی بعدی کلیه برنامه‌ها و پروژه‌ها دچار رکود شد.

رژیمهایی که قبل از رژیم نظامی فعلی در پاکستان حکومت می‌کردند در مورد تامین کسری بودجه از «وجوه قرینه» علاقه زیادی نشان نمی‌دادند و در این مورد محتاط بودند. دولتی که بعد از دولت سهروردی روی کار آمد برای تامین کسری بودجه خود که در سال ۱۹۵۷-۵۸، ۱۲۸۱ میلیون دلار بود از وجوه قرینه تنها به میزان ۱۷۷/۲ میلیون دلار استفاده کرد و بقیه را از راه عرضه ملی تامین کرد ولی رژیم فعلی عکس این کار را انجام داده است و برای تامین کسری بودجه خود به میزان ۱۲۰۲/۱ میلیون دلار در سال ۱۹۵۸-۵۹، حدود ۱۰۱۰/۹ میلیون دلار از وجوه قرینه استفاده کرد بنابراین همانطور که شرح داده شد «کمکهای آمریکایی» به

دوق بزنند

جنسی آمریکا به پاکستان هیچگونه اثری در رشد و توسعه اقتصادی پاکستان ندارد. باید در نظر داشت که وامها و کمکهایی که از طریق «وجوه قرینه» ای که بصورت روپیه در دست آمریکا است، داده می‌شود هیچ استفاده‌ای برای پاکستان ندارد به جز آنکه آنها را قادر می‌سازد کسر هزینه دولت که بعلت عدم سیستم مالیاتی صحیح بوجود می‌آید، جبران کنند.

در حالیکه استفاده از «وجوه قرینه» نیز ایجاد تورم می‌کند. خصوصاً در زمینه هزینه‌های نظامی، پاکستان از «وجوه قرینه» برداشت کرد و چون این برداشتها در بودجه منعکس نمی‌شوند، هزینه‌های دفاعی کمتر از آنچه که هست بنظر می‌رسد.

تکیه و اعتماد به «وجوه قرینه» بعنوان هزینه‌های دولتی ممکن است خطرناک هم باشد. در این مورد می‌توان یونان را بعنوان مثال عنوان نمود طبق گفته آقای منگمن.

«هیئت آمریکایی از طریق به حساب گذاشتن «وجوه قرینه» بزرگترین سرمایه‌دار در بانک یونان بود و به این دلیل قادر بود شرایط اعتباری را با استفاده از سرمایه عظیم خود تغییر دهد... در سال ۱۹۵۱ هیئت آمریکایی با جلوگیری از برداشت مالی

دسیسه‌های شیطان بزرگ علیه محور و مین

✱ آمریکا با داشتن ۱۰ درصد جمعیت جهان حدود ۵۰ درصد مواد خام تولید شده در دنیا را مصرف می‌کند.

✱ سرمایه‌گذاری خارجی، با خارج کردن سرمایه‌های کشور بصورت سود حاصله از سرمایه‌گذاری باعث از بین رفتن قابلیت توسعه اقتصادی کشور می‌شوند.

این ترتیب باعث می‌شوند پاکستان بیشتر از گذشته به آمریکا وابسته شود. اگر آمریکا در بانکهای کشوری سرمایه‌گانی به حساب خود داشته باشد قادر است علاوه بر قدرت نفوذ بر وضعیت اعتباری و میزان بودجه‌ای که برای پروژه‌ها و برنامه‌های دولتی مصرف می‌شود، به

چیزهای دیگری نیز دست پیدا کند زیرا اگر دولتی بیش از حد بر این سرمایه‌ها تکیه کند در آن صورت آمریکا خواهد توانست نقش عمده‌ای در سیاست عمرانی کل کشور داشته باشد. به عنوان نمونه آمریکا قادر است در حال حاضر با استفاده از سرمایه‌های عظیم خود در برنامه‌های اقتصادی و سیاسی پاکستان تاثیر کلی بگذارد.

در زمینه اقتصادی دولت آمریکا حق دارد در مورد تمام پروژه‌هایی که مقدری از وجوه کمکی آمریکا در آن صرف می‌شود ولو هر قدر کوچک هم که باشد، اطلاعات کاملی دریافت کند. به علاوه در موافقت نامه‌ای که طی آن دولت آمریکا تعویل کمکهای جنسی به پاکستان را تقبل کرده است ذکر شده است که آمریکا در ثبات وضعیت مالی پاکستان نیز منافی دارد و به این دلیل آمریکا حق پیدا کرده است که در سیاست تجاری پاکستان هم اعمال نفوذ کند. طبق موافقت نامه‌هایی که برای تعویل کمک به پاکستان امضاء شده‌اند، دولت پاکستان موظف به حفظ ثبات پولهای در گردش خود می‌باشد و همچنین باید به توسعه کشور خود بر اساس «پایه‌ای صحیح و سالم» همت گمارد. دولت آمریکا برای اطمینان پیدا کردن از آنکه تمام شرایط موافقت نامه‌ها اجرا می‌گردد حق دارد ناظرینی (که در صفحات قبلی نیز به آنان اشاره شده) به پاکستان بفرستد. این ناظرین در کلیه سطوح برنامه‌ریزی قرار گرفته‌اند و این بدان معنی است که آمریکا از طریق این ناظرین می‌تواند برنامه‌های اقتصادی پاکستان را بر اساس تفسیر خود از «پایه‌ای صحیح و سالم» به دلخواه اداره کند.

کلیه کمکهای اقتصادی طی موافقت نامه‌های متعددی از کانالی بنام ICA عبور می‌کند و مدت کلیه قراردادهای نیز یک سال بیشتر نمی‌باشد. این طرز قرارداد بستن منجر به تاخیرها و اتلاف منابع ناشی از عدم برنامه‌ریزی درازمدت، که برای طرح‌های به این عظمت لازم و ضروری است، مورد انتقاد قرار گرفته است. ولی این مسئله برای آمریکا این حسن را دارد که هیچگاه در بن بست قرار نمی‌گیرد و هیچگاه نباید بین قطع کمک و بهم زدن قرارداد و یا تحمل سیاستهایی که خلاف امیال او هستند تصمیم بگیرد. آمریکا قادر است با تهدید قطع کمک در آینده، کشورها را مجبور به تسلیم در مقابل خود کند.

در سال ۱۹۵۹، آمریکا از کمک کردن به طرح احداث کابل‌های نیرو از مولتان به لیالپور خودداری کرد. کلیات این طرح که حدود ۲/۵ میلیون دلار هزینه داشت بوسیله ICA و سازمان توسعه اقتصادی پاکستان مورد بحث قرار گرفته بود و قرار بود اولین قسط در فوریه همان سال در اختیار

پاکستان قرار داده شود ولی واشنگتن آنرا وتو کرد. عده‌ای تصور می‌کنند دلیل این امر واگذاری کارخانه سیمان به چکسلواکی بوده است. البته در این مورد خاص، پاکستان توانست طرح را به هر صورت به اتمام برساند ولی در رابطه با پروژه‌های عظیم تر که سرمایه‌های زیادی صرف آنان می‌شود، مسئله اثرات قطع کمک ابعاد وسیعتری پیدا می‌کنند. البته قطع کمک لازم نیست زیرا دولت‌هایی که به وجوه خارجی نیازمند باشند به محض شنیدن زمره قطع کمک از برنامه‌های خود دست می‌کشند. واضح است که با قطع کمک‌های کلان و استفاده از سرمایه‌های عظیم در کشورهای دیگر، ابرقدرتها قادرند جلوی برنامه‌های عمرانی را بگیرند و اثرات دراز مدت اقتصادی و سیاسی بر کشورهای دیگر تحمیل کنند.

دست‌های نامرئی در سیاست‌های اقتصادی کارشناسانی که در کمیسیون برنامه ریزی پاکستان مشغول کارند، در سیاست‌های اقتصادی پاکستان نفوذ زیادی دارند. پروفیسور بل که زمانی در این رابطه کار می‌کرده است در برابر کمیته روابط بین‌الملل سنای آمریکا سخنانی گفته است که روابط هیئت آمریکایی و ادارات اجرایی پاکستان را تا حدودی روشن می‌سازد. از پروفیسور بل سؤال شد: «سازمان شما (یعنی گروه برنامه ریزی پاکستان) تا چه حد با ICA، FAO، و همکاری می‌کند»

پروفیسور بل جواب داد: «ما از لحاظ شخصی با پرسنل ICA آشنایی داشتیم. از لحاظ رسمی آنها در دو زمینه با گروه برنامه ریزی دولت پاکستان مشورت می‌کردند: مورد اول بدان جهت که ما منبعی غنی از اطلاعات راجع به شرایط اقتصادی پاکستان در دسترس داشتیم و آنها در مورد مشکلات خود با ما مشورت می‌کردند. مورد دوم که بعد از مدتی پیش آمد و در اول کار خیری از آن نبود، پس از مدتی گروه برنامه ریزی نظریات معتبری در مورد آنکه چه کارهایی باید در پاکستان انجام گیرد و چه کارهایی لازم نیست، پیدا کرد. هیئت ICA نیز از این اطلاعات استفاده می‌کرد تا بتواند تصمیم بگیرد در کجا سرمایه‌گذاری کند. من نمی‌گویم که آنها تماما از نظریات گروه برنامه ریزی پیروی می‌کردند ولی به آن بهای زیاد می‌دادند»

این جوابیه افشاگر مسائلی است. در درجه اول نشان می‌دهد که آمریکا تا چه حد قادر است از سازمان‌های دولتی مانند گروه برنامه ریزی

اطلاعات اقتصادی دست اول و با اهمیت دریافت کند ولی آنچه که بسیار افشاگرانه است، روش غیر اصولی برنامه ریزی است، طبق این جوابیه تصمیمات مهم به جای آنکه توسط گروه برنامه ریزی گرفته شود و هیئت آمریکایی تنها نقش مشاور داشته باشد، بوسیله آمریکائیان گرفته می شود و گروه برنامه ریزی دولتی تنها به مشورت می پردازد این جوابیه همچنین نشان می دهد که پس از اخراج زاهد حسین از گروه برنامه ریزی، این گروه برنامه ریزی در جهت رفاه ملی، که بنظر آمریکائیان صحیح نبود، را رها کرد دیگر پاکستانیها در مورد برنامه های عمرانی تصمیم گیری نمی کنند تا بعدا برای کمک مالی به سراغ ICA بروند بلکه این ICA است که اولویتها را مشخص می کند و گروه برنامه ریزی تنها به صورت شعبه ای از ICA عمل می کند.

علاوه بر اینها، هزینه های زیادی نیز صرف تبلیغات می شود بدین منظور موسسه عظیمی در پاکستان بوجود آمده است و از آن طریق سیلی از کتب ارزشمند به پاکستان وارد می شود، برنامه وسیعی نیز برای ترجمه کتب به زبانهای محلی پاکستان اجرا شده است و کتب سوسیده شده با قیمت ارزان در دسترس عموم قرار داده شده است. بسیاری از هزینه تبلیغات از طریق وجوه قرینه تامین می شود به علاوه طبق موافقت نامه های امضا شده دولت پاکستان موظف است که مردم را از میزان کمکهای آمریکا و محل مصرف آنها آگاه کند. البته در این مورد تمام جزئیات بیان نمی شود زیرا در اینصورت این تبلیغات نه برای آمریکا و نه برای دولت پاکستان ایجاد محبوبیت نخواهد کرد نتیجه این اعمال آن است که از سرمایه پاکستان برای مدح و ثنا از کمکهای آمریکایی استفاده می شود.

تبادلات فرهنگی و برنامه های مربوط به آن نیز به این وضع دامن می زنند. خطوط کلی اینگونه طرحها در جزوه ای که بوسیله ژنرال شینگلر و پرسنل کمیسیون ریاست جمهوری تحقیق و بررسی کمکهای نظامی گردآوری شده است. در این بررسی چنین آمده است: «اسلحه بمبرور زمان از کار می افتد و یا قدیمی می شود ولی انسان و تاثیرات تعلیم و تربیت بر قدرت فعال او و طرز فکر او هیچگاه کهنه و از کار افتاده نمی شود» بر همین اساس آمریکا در اعطای بورس و معاوضه معلمین تسهیلاتی بوجود آورده است. بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ بیش از ۱۰۰،۰۰۰ خارجی طی برنامه های کمک نظامی ۴۶/۰۰۰ نفر طی برنامه های سازمان ICA و شعبات آن و ۴۲۰۰۰ نفر دیگر نیز طی برنامه های سازمان تبادلات فرهنگی بین المللی در آمریکا دوره دیدند. این دوره ها تنها به

آموزش های نظامی و غیر نظامی بسته نکرده است بلکه چیزهای دیگری نیز به دانشجویان تعلق کرده است. طبق گزارش فوق الذکر اکثر این افراد دچار تغییر نظر در جهت اهداف سیاستهای ملی آمریکا شده اند اثرات اینگونه فعالیتها در کشورهایی که دانشجوی می فرستند کاملا واضح است بخصوص اگر مانند پاکستان مطبوعات آزادی هم وجود نداشته باشد.

تمام این مسائل بشابه شبکه ای درهم پیچیده پاکستان را احاطه کرده و آنرا تحت نفوذ کامل آمریکا درآورده است و این پنجه پاکستان را وادار میکند که بدنبال سیاستهای آمریکایی برود.

سیاستهای کمک و توسعه:

تفاوت اساسی میان سیاستهای توسعه اقتصادی در بعضی از کشورها، مانند هند که طی برنامه ۵ ساله دوم خود پایه ای استوار و محکم برای توسعه صنعتی خود گذاشته و سیاستهایی که بوسیله متخصصین آمریکایی در پاکستان اجرا میشود وجود ندارد سیاستهای آمریکائیان در پاکستان بر مبنای از بین بردن صنایع و توسعه اقتصاد کشور بر محور اقتصاد آمریکایی استوار شده است.

در سال ۱۹۵۱ پرزیدنت ترومن کمیسیونی را برای یک سری تحقیقات انتخاب کرد «نتیجه» تحقیقات آنان که سیاست اقتصادی خارجی آمریکا به آن وابسته است این بود که آمریکا با داشتن ۱۰ درصد جمعیت جهان حدود ۵۰ درصد مواد خام تولید شده در دنیا را مصرف می کند. این کمیسیون تخمین زد که تا سال ۱۹۷۵ آمریکا می بایست ۲۵ درصد آهن و ۲۵ تا ۴۰ درصد مس مورد نیاز خود را از خارج وارد کند. علاوه بر اینها نیز آمریکا به واردات دیگری نیاز پیدا خواهد کرد. بنابراین کمیسیون به دولت آمریکا توصیه کرد که باید قدمهایی برای تامین احتیاجات آینده خود در زمینه مواد خام بردارد براین اساس حل مسئله فوق الذکر یکی از اهداف کمکهای آمریکا به خارج است. طبق گزارشی که از کمیته توسعه اقتصادی تحت عنوان «توسعه اقتصادی در خارج و نقش سرمایه گذاری آمریکایی» به دست ما رسیده است شرکتیهای آمریکایی که در کشورهای جهان سوم سرمایه گذاری کرده اند دو هدف مشخص را دنبال می کرده اند: دست یابی به منابع جدید مواد خام برای صدور و دوم کوشش می شد که کارخانه های بسته بندی و مونتاژ ایجاد کنند. واضح است که هیچیک از موارد فوق برای توسعه صنعتی کشورهای جهان سوم مفید نمی باشد.

در پاکستان بتدریج سیاست گریز از صنعتی شدن حاکم میشود در برنامه ۵ ساله اول سرمایه گذاری صنعتی تحت عنوان تحکیم صنایع فعلی اجرا شد در برنامه ۵ ساله دوم این سیاست بیشتر آشکار شد و منابع کمتری به صنعت اختصاص داده شد. این سیاست به سود فوئدالها و تجار بزرگ تمام می شود ولی علت اصلی این سیاست ها نفوذ سازمان ICA بر گروه برنامه ریزی دولتی پاکستان بوده است.

همانطور که مشاهده گردید تخصیص بودجه به بخشهای کشاورزی یا صنعت به عهده پاکستانیها نمی باشد بلکه این تصمیمات بوسیله کمک کنندگان به پاکستان گرفته میشود و براین اساس واضح است که ایجاد و توسعه اقتصادی متوازن در کلیه سطوح غیر ممکن میشود.

به جز اینها از وجود سرمایه های آمریکایی در کشورهای کمک گیرنده نیز استفاده میشود که این امر با توجه به منافع ایالات متحده در زمینه گسترش و توسعه شرکتهای آمریکایی در کشورهای جهان سوم و تنزل صادرات آمریکا تنظیم میشود. بسیاری از این سرمایه گذاریها در صنعت مونتاژ و بسته بندی انجام میشود که از محصولات ملزومی که شرکت های تولیدی آمریکا میسازند استفاده میکنند. در بسیاری از موارد سرمایه گذاریهایی که بوسیله شرکتهای بزرگ صورت میگردد برای اقتصاد پاکستان زیان آور است ولی شرکتهای بزرگ با استفاده از قدرت خود این کار را انجام می دهد و اگر موفق شدند دولت آمریکا با فشار آوردن بر دولت پاکستان آنها را وادار می کند تا نه تنها با سرمایه گذاری آنها موافقت کند بلکه امتیازاتی نیز در برابر شرکتهای پاکستانی هم به آنها بدهد. بر خلاف تئوریها، سرمایه گذاری خارجی در عوض فعال کردن و سرعت دادن به توسعه پاکستان باعث فلج شدن فعالیتهای تجاری در مناطق سودده شده است.

همانطور که تاکنون شرح داده شده، سرمایه گذاری خارجی با خرج کردن سرمایه کشور بصورت سود حاصله از سرمایه گذاری باعث از بین رفتن قابلیت توسعه اقتصادی کشور می شوند به علاوه در اکثر موارد بسیاری از سرمایه گذاری خارجی از طریق قرضه های محلی صورت می گیرد و سودهای حاصله در حقیقت سود حاصل از سرمایه های پاکستان است و خروج این سودها باعث کم شدن ذخایر ارزی می شود بسیاری از کمکهای که به پاکستان می شود باید به مصرف وام طایف به شرکتهای آمریکایی و یا شرکتهای پاکستانی که در زمینه وارد کردن کالاهای آمریکایی فعالیت می کنند برسد.